

## مصنفات افضل الدين محمد مرقی کاشانی

بتصحیح و اهتمام مجتبی مینوی ویحیی مهدوی - جلد اول ، مشتمل بر هفت رساله ، تهران ، ۱۳۳۱ ، از انتشارات دانشگاه تهران

افضل الدين کاشانی که بیشتر بسبب رباعیات لطیف و عارفانه اش معروف است و بیابا افضل شهرت دارد از حکمای عالیقدر ایران است که در قرن ششم و اوائل قرن هفتم هجری میزیسته و علاوه بر تألیفات عربی رسائل فارسی در حکمت و فلسفه از خود بیاد کار گذاشته است که هفت رساله از آنها اینک بهمت آقایان مجتبی مینوی و دکتربیحیی مهدوی از طرف دانشگاه تهران انتشار یافته است و مخارج طبع آن ، چنانکه جناب آقای دکتر سیاسی در مقدمه متذکر شده اند ، هدیه آقای دکتر مهدوی است که در نشر آثار علمی و ادبی ایران همت خاص مبذول میدارند و حقوق خویش را برای طبع اینگونه آثار و تشویق دانشجویان اختصاص داده اند .

بابا افضل با آنکه در روش استدلال و طرح مطالب بحکمت مثناء نظر دارد و از فلسفه ارسطو متأثر است از حکمایی نیست که در کشف حقیقت و استقصای مسائل تنها منطق و استدلال عقلانی را کافی بشمارد ، بلکه مانند غالب فلاسفه بزرگ ایران حکمتش صبغه عرفان دارد و در آثارش تعقل منطقی باشهود عرفانی و وجد صوفیانه آمیخته است و چنانکه آقای مینوی در مقدمه میگویند وی «عالمی حکیم و عارفی شاعر و دبیری فصیح بوده است» و همین نکته لطافت و شیرینی خاصی بنوشته‌های وی می‌بخشد .

رسائل فارسی بابا افضل نه تنها از لحاظ فلسفی اهمیت دارد بلکه از لحاظ ادبی و انشائی نیز برای ما واجد ارزش و اعتبار بسیار است ، و در این ایام که ما برای نقل آثار علمی بزبان فارسی احتیاج فراوان با اصطلاحات اصیل علمی داریم نشر اینگونه آثار را باید غنیمت شمرد . بابا افضل در این رسالات با آنکه از بکار بردن لغات عربی روی گردان نیست و حتی گاه از لغات دشوار عربی کار میگیرد عموماً بالفاظ و عبارات فارسی نظر دارد و عباراتی که بفارسی خالص یا با عربی اندک در این رسائل آمده کم نیست ، چنانکه از جملات زیر پیداست :

«... چون حق تعالی و تقدس بلطف هدایت خودش روان مرا باخرد که فروغ هستی اوست آشنا کرد، تا با شنائی و پیوند خرد روانم از آرایش طبع جسمانی زده گشت، و از فروغ خرد فروزان شد، و آئینه‌ای گشت که هستیهای عالم، اصلی و فرعی، گوهر و جز گوهر، آرمیده و جنبنده، زنده و مرده، گویا و ناگویا در وی بنمود و دیده آمد...» (ص ۸۳) «... و چون سخن این طایفه برسید سیماس روی بارسطو کرد و گفت: بر فروز دل‌های ما را بفروغ چراغ خود پیش از آنکه فروغش فروشنید، ای پدر مهربان. ارسطو گفت: پابنده‌ترین علما در علم آنست که دانش بیندوخت الا پس از آنکه نفس را فرهنگ داده بود، و خوی خود را ستوده کرده، و راست گوی‌ترین گویندگان آنست که بگفتار نیاید الا پس از اندیشه، و استوارترین کارکنان آنست که در کار نشود الا پس از اندیشه و انداخت. و هیچ کس با هستگی و حزم در عزم بکار آوردن نیازمندتر از فیلسوف نیست، در آنچه پیش گیرد از این کار، که رنج آن بنقد است و منفعت آن باز پس کار.» (ص ۱۲۰) «ای نفس، هر که سلاح بیفکنند در جهاد و خود را بدشمن سپرد، بند و گرفتاری وی را واجب شد، و هر که سلاح کارزار کرد و نفس را بیاید و بنسپرد خود را، قتلش واجب شد، و هر نفس که آمد بدین جهان طبع او را از این دو حال گزیر نیست: یا کشتن یا بند. هر آنکه بند و گرفتاری گزید بر خود عذاب دراز اختیار کرد، و هر که کشتن براسیری گزید ارجند مرد، و آن مردگی زیستن بود وی را و دستکاری از اسیری و بند و خواری و درازی عذاب.» (ص ۳۴۲) چنانکه از نمونه های فوق برمیآید نثر فارسی بابا افضل فصیح و لطیف و استوار است و اگر غالباً تأثیر جمله بندی زبان عربی در عبارات فارسی وی آشکار است نتیجه مهارت وی در آن زبان و توجه عمومی دانشمندان زمان بزبان عربی در تألیفات علمی است.

رسائلی که در این جلد انتشار یافته بترتیب عبارت است از

۱ - مدارج الکمال - در نمودن صفات کمال و نقصان، و آنچه در مردم موجب کمال میشود و راه رسیدن بکمال.

۲ - در انجام نامه در رساله کوتاهی است در بحث وجود نفس و تعریف و فایده

«... گروهی از یاران حقیقی و برادران دینی از من انشاء نامه‌ای خواستند که از خواندندش وفهم معایش آ که شوند از سه چیز: از وجود خود و صفات وجود خود و آ که کردند از حقیقت آ کهمی و علم که چیست؛ و آ که شوند از فایده و منفعت آ کهمی و علم، و چون خود را از دانستن پاسخ این سه سؤال بی بهره ندیدم واجب شناختم شکر این نعمت گزاردن...»

۳ - ساز و پیرایه شاهان پرمایه که رساله‌ای است فلسفی در بیان مکارم اخلاق که شاهانرا شایسته است، چنانکه خود مؤلف در مقدمه میگوید:

«... خواستم یاد کاری سازم از بهتر سخنی و گفتاری سودمند از برای بهتر صنفی از اصناف مردم، که آن سرورانند و شاهان، این نامه مختصر را نوشتن گرفتم و دستوری ساختم سر جمله مکارم اخلاق را که شاهان را بکار است...»

۴ - رساله تقاحه و آن بنا بر قول مؤلف «ترجمه مقالاتیست از آن ارسطاطالیس حکیم، معروف بتفاحه که بوقت وفات املا کرده است» و آن گفتگوئی است میان ارسطو و چند تن از شاگردانش. وجه تسمیه رساله آنست که ارسطو در موقع نزاع بنا بر این رساله سببی در دست داشته است. پیداست که این رساله را که ظاهراً از آثار هرمسیهانت بعد ها بارسطو منسوب داشته اند.

۵ - عرض نامه «در عرض اجسام که در پایه انفعال و قبول کنش اند، و کنندگان و کارگران اجسام عالم و جسم مردم، و دانستهای مردم و اقسام آن، و دانندگان و بیان ماهیت و اثبت داننده» و در آن از انواع هستیهای کلی سخن رفته.

۶ - جاودان نامه. مؤلف در آغاز آن میگوید: «این نامه ایست از مازنی برادرانی که اندرون ایشان انگیخته شود باز جستن و شناختن انجام و آغاز خود را...» و فصول آن منقسم است بر شمردن اقسام علوم بطریق کلی، شناختن خود و طریق آن، شناختن آغاز و شناختن انجام. در این رساله مؤلف کلام خود را مکرر بآیات قرآنی می‌آراید و بتأویلی که مناسب اعتقاد خویش از آنها میکند استناد میجوید.

۷ - ینوع الحیاة، و آن رساله ایست فلسفی بشیوه عرفا و بادریس نبی نسبت داده شده و مطالب آن از اقوال نو افلاطونیان متأثر است و اجزای آن همه با عبارت «ای

نفس! « آغاز میشود. این رساله از حیث لطافت بیان و شیوایی عبارات سرآمد رسالات دیگر است. سطور ذیل نمونه‌ای از آن بدست میدهد: «ای نفس، اینست عالم طبیعت که فرود آمدی و آزمودیش، هیچ یافتی دروی جز دیدنیهای چند وحشت انگیز، و شنیدنیهای بیمناک غافل کننده، و چشیدنیهای دردناک ملالت افزای، و بویهای چند دروغ ناخوش، و بسودنیهای پلید شوخکن؟ و چون بدان فرود آمدی عشق آوردی بدان، و شگفت ماندی ازوی، و بدان باز بسته شدی، و فراموش شد معانی ذاتی شریف و چون نشناختی که خطا بود از تو این حال، خواستی که دیگری را با خود در این خطا انباز کنی، و این گناه را بروی حوالت کنی. هیهات، هیهات، گناه نبود الا آن را که کرد. پس درباب خطای خود را، که تو افتادی در این ناخوشیها بآرزوی خود، رهائی از وی هم بآرزو و ارادت خودیابی.» (ص ۳۷۰).

نسخه‌ای که در طبع این رسالات اصل قرار داده شده نسخه ایست متعلق بکتابخانه نور عثمانیه که آقای دکتر مهدوی در سفر اسلامبول از آن عکس برداشته اند. نسخ دیگری نیز که بعداً فراهم شده در مقابل بکار رفته. مصححین محترم در طبع این رسالات از هیچگونه دقتی که برای صحت و نفاست کتاب ضرورت داشته غفلت نکرده اند و در نتیجه کتابی فراهم شده که میتواند نمونه و سرمشق طبع کتب علمی قرار گیرد: برای سهولت فهم مطالب، اصول نقطه گذاری فرنگی را بکار بسته و هر جا احتمال قرائتی ناصواب میرفته حروف معرب بکار برده اند. اختلاف نسخ را در حاشیه آورده اند و برای اصطلاحات علمی و فلسفی حروف درشت بکار برده اند. سطور را نمره گذاشته و شماره صفحات نسخه اصل را نیز بدست داده اند. برای جلات عربی و آیات قرآنی اعراب قرار داده اند.

امید است جلد دوم این کتاب که مشتمل بر بقیه مصنفات فارسی بابا افضل و ترجمه حال او و نقادان مصنفات او و فهرستهای لازم و فرهنگ لغات و اصطلاحات خواهد بود به همت مصححین محترم بزودی انتشار یابد و دوستان علم و ادب بهمه آثار نفیس این حکیم گرانمایه دسترس یابند. ا. ش.